آب و تاب

پولشویی با افتتاح
۲۴۲ حساب بانکی
برای پسر ۸ساله!

انصافا این میزان انعطاف پذیری بهترین تبلیغ بین المللی برای شبکه بانکی کشوره

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران:

۱۹ میلیون جمعیت شهری در فقر مطلق هستند!

- فقر مطلق: پس اون ۶۰ میلیون دیگه چی هستن؟!
- معلومه خب! اونقدر خط فقر رو بالا و پایین کشیدن الان دیگه کشش شل شده و جا باز کرده
- ژن خوب: بابا فقر متلغ کجاست؟

پارادوکس

زرین لک

توزیع کالاهای یارانه‌ای از طریق شبکه‌های مجازی

اینجوری دیگه با هر بار قطعی اینترنت به بهونه سوخته دستشون که چیزی توزیع نکنن.چی بهتر از این!

ثبت ۸۳ میلیون تخلف رانندگی در سال ۹۷

فقط صف پیش فروش پراید نیست،شتک معلومه که در زمینه های مختلف، همه مون سهممون رو ادا کردیم

نماینده مجلس:

هیچ یک از مشکلات کشور با تشکیل وزارت بازرگانی حل نخواهد شد

این که نشد دلیل! تنها توجیهی که برای ایجاد یک وزارتخانه بی معنیه همین حل مشکلاته

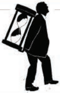

وزیر بهداشت: سال ۹۸ سال نسبتا سختی است

تنهاپیش‌بینی دلگرم کننده مسئولان که همیشه به حقیقت می پیوندد

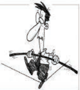

توانیر: سال ۹۸ سال چندان راحتی برای صنعت برق نیست

مگه سال‌های قبل راحت بوده؟!
باقی مسئولان پیش بینی دلگرم کننده نداشتن؟
داریم صفحه رو می‌بندیم‌ها!

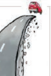

یک مسئول: در سال‌های گذشته با کاهش ۳۶ درصدی فقر مواجه بودیم

و در ۴ ماه گذشته
با افزایش ۳۶۰ درصدی!

طنزستان

کارزار طنزنویسی

محسن کاظمی

واقعاً کار طنز بر عکس است. از ده سالگی بزرگترین آرزویم کمدین شدن بوده و تنها شغلی که خیلی خیلی خیلی دوستش داشتم نویسندگی و کارگردانی کمدی بوده است اما سر پیری یعنی زمانی که یک پایم لب گور و آن یکی پایم توی گور بود تازه وارد کارگاه طنزنویسی مقدماتی شدم

همیشه از کلمه کارگاه وحشت داشتم چون قبلاً در کل کلاس‌ها مهم‌ترین مشترکشان جیک‌تومن بود. یعنی سال‌ها به قدری ساکت بودم که وقتی در این کارگاه برای اولین بار حرف زدم هی دنبال صاحب صدا می‌گشتم تا بالاخره بعد چند ساعت با دیدن دیگران گفتم احتمالاً صدا از خودم باشد!

اولین تکلیف کارگاه معرفی کردن [illegible] خودمان بود. از آنجایی که من ظاهراً مثل [illegible] گاز و باطناً شبیه [illegible] هستم که بهتر است اسمش را نیاورم فقط با فامیلی‌ام شوخی کردم. متأسفانه همین یک قلم هم کار دستم داد و اعضای کارگاه به جای اسم لاکچری «کالین» کلماتی مثل گرگین، آگرین، اسالین، ویترین، کالرین، کلین و حتی وازلین را به خوردم دادند!

اتاق کارگاه تقریباً هم‌اندازه صندوق عقب پراید [illegible] بود که بخشی از همین فضا را هم میز استاد و صندلی‌ها اشغال می‌کرد! البته اگر از حق نگذریم کلاسمان بعد از یک جابه‌جایی بزرگ‌تر و شیک‌تر شد ولی در عوض میزان سر و صداهای اتاق به شکل خوفناکی بالا رفت. جوری که مثلاً غیرممکن بود موقع خواندن [illegible] به [illegible] استقلال [illegible] عبارت «آب گرم کن [illegible]» توی متنت نبود! مشکل بعدی مرحله کلنگ‌زنی واحد مجاور بود که با فرود هر کلنگ صندلی‌ها سه متر و نیم عقب جلو می‌شد. در هر جلسه به طور میانگین موقع خواندن شوخی‌ها ۴۸ درصد تارهای صوتی‌ام متلاشی شد و [illegible] بخش عمده‌ای از قدرت شنوایی‌ام را هم از دست دادم

اما به هر حال خوشحالم که با گذراندن این دوره به خواسته‌هایم رسیده‌ام و وارد جریان حرفه‌ای کمدی شده‌ام. به اندازه‌ای وارد شده‌ام که مثلاً در مدت نوشتن همین چند خط پیمان قاسمخانی ۱۱ تا، [illegible] ۳۲ تا اس‌ام‌اس فرستاده، [illegible] چند تا ایمیل ارسال کرده و مرحوم جری لوییس هم سه بار می‌خواسته به خوابم بیاید که متأسفانه وقت هیچ کدامشان را هم نداشته‌ام

در این کارگاه فهمیدم که اگر از دریچه خنده دنیا را ببینی در میلیاردها تومان و [illegible] هیچ لذتی نیست. فهمیدم که شب‌نشینی‌های طولانی با طعم دو سیب [illegible] کسی را خوشحال نمی‌کند. فهمیدم که حتی [illegible] هم جزء مشکلات نیست. من فهمیدم بزرگترین لذت جهان در جور کردن ۴۰ میلیون از زیر سنگ و خریدن ماشینی است که نصفش حذف شده و نصف دیگرش هم با همت مسئولان حذف خواهد شد و در پایان هم فهمیدم قبل از این پاراگراف آخر، [illegible] کلاس، [illegible]!

همکاران ما در «آب و تاب»
دبیر سرویس: اسماعیل لک
طنزپردازان: فرزاد نیک قدم، فاطمه ناصری، فائزه صدر، زرین لک و ابوالفضل رحیمی
aabotab aabotab